

آگاهی مترجم از دستور زبان مبدأ و توانایی او در برگرداندن زبان

دکتر بهروز عزبدفتری

بخش دوم*

۱-۴- شواهد قضیه:

در این بخش از مقاله، چند جمله انگلیسی را به عنوان مثال در راستای این باور خود که آگاهی از ظرایف دستور زبان مبدأ مترجم را به درک دقیق تر معنا کمک می کند، می آوریم. مثالهایی که اغلب در کلاسهای ترجمه این نگارنده در دانشگاههای تبریز و تربیت معلم تبریز بحث و فحص بیشتری را موجب شده است. ۱- در جمله های زیر ضمائر موصولی "who" و "which" صرف نظر از نقشهای دستوری خود سایه های ظریف معنایی را در جمله به وجود می آورند:

27) I saw a dog which was lying sick on the corner of the street.

28) My dog, who knows my neighbours by their footsteps, is very intelligent.

29) The old man played with his dog, which made everyone laugh.

30) She performed on a stage which had seen many glorious days.

در (۲۷) و (۲۸) ضمائر موصولی، "which" و "who" که به دنبال واژه "dog" به کار رفته اند تمایز ظریف معنایی را موجب شده اند که در قواعد دستور زبان فارسی نمی گنجند. در (۲۷) جانور نگون بخت همچون شیئی بی نام از علاقه گوینده محروم مانده است. در (۲۸) جانور به لحاظ آنکه مورد اسناد "who" است از مقام و جایگاهی برابر با انسان برخوردار است. مضافاً همان جمله (۲۸)، نمونه ای از جمله واره صفتی نامعرف^۱، بدان معناست که گوینده فقط یک سگ دارد و اگر همان جمله بدون ویرگول نوشته شود، نمونه ای از جمله واره صفتی معرف^۲، به معنای آن است که گوینده بیش از یک سگ دارد. در (۲۹)، جمله واره تبعی which made everyone laugh، به کل جمله اسناد دارد، اما جمله واره تبعی در (۳۰) فقط به اسم پیشین «صحنه» دلالت دارد.

۲- مردم انگلیسی زبان مفهوم آینده را به شکلهای گوناگون فعل-زمان حال ساده، حال استمراری، فعل اصلی + will و فعل اصلی + be + going to بیان می کنند:

31) He comes to Tabriz tomorrow.

32) He is coming to Tabriz tomorrow.

33) He will invite his friends to his birthday party next week.

34) He is going to invite his friends to his birthday party next week.

* بخش اول این مقاله در شماره ۱۵، پاییز ۷۳ چاپ شده است.

1- Non - defining / Non - restrictive / Unnecessary Relative Clause

2- Defining / Restrictive / Necessary Relative Clause

ما بر آن نیستیم که تفاوت‌های ظریف معنایی ۳۴ - ۳۱ را در اسناد به آینده بیان کنیم ولی آنچه در اینجا به نظر جالب می‌رسد این است که در زبان انگلیسی زمان حال ساده در اسناد به آینده در مورد برخی از اعمال و حالاتی که احساس یقین و حتمیت درباره وقوع آنها نامعقول است به کار نمی‌رود. نامعقول بودن احساس یقین و حتمیت در مورد برخی از این اعمال و حالات برای گوینده فارسی زبان توجیه پذیر است ولیکن نشان دادن این ویژگی معنایی در زبان فارسی میسر نیست. به مثالهای زیر از کیم برت (Kim ، ۱۹۶۹) Burt (به نقل از جورج لیکاف (George Lakeoff) توجه کنید:

- 35 a) I get my paycheck tomorrow.
 b) *I get a cold tomorrow. (C. will get...)
 36 a) The Yankees play the Red Sox tomorrow.
 b) *The Yankees play well tomorrow. (C. will play...)
 37 a) The astronauts return to the earth tomorrow.
 b) *The astronauts return safely to the earth tomorrow. (C. will return...)
 38 a) Sam gets a day off tomorrow.
 b) *Sam enjoys his day off tomorrow. (C. will enjoy...)

جمله‌هایی که با علامت ستاره کوچک مشخص شده اند نادرست هستند چرا که فی المثل می‌توان گفت فردا تیم فوتبال ما در برابر تیم فوتبال ایکس (X) بازی می‌کند اما به گفته برت در زبان انگلیسی زمان حال ساده برای بیان مفهومی که حصول یقین درباره آن میسر نیست به کار نمی‌رود، پس جمله فردا تیم فوتبال ما در مقابل تیم ایکس خوب بازی می‌کند نادرست می‌باشد. همچنین می‌توان گفت فردا سام به مرخصی می‌رود، لیکن نادرست خواهد بود اگر بگوییم فردا اسم از مرخصی اش لذت می‌برد.

در زبان انگلیسی برحسب این که مخاطب در پاسخ جمله ۳۹، فعل اصلی + will یا + be فعل + to + going را در جمله خود به کار برد دو معنا را می‌رساند که دارای تفاوت بسیار ظریفی هستند که دریافت و انتقال آن برای مترجم فارسی اگر محال نباشد بسیار دشوار است:

39) Teacher: I have left your exam papers in my office.

Student: (a) I'll get them for you.

(b) I'm going to get them for you.

در (a) 39) این معنای تلویحی وجود دارد که شونده از موضوع فراموش شدن اوراق امتحانی در اطاق کار معلم اطلاع قبلی نداشته است و در پاسخ به پرسش معلم، این عدم آگاهی قبلی را با به کار بردن فعل اصلی + will بیان می‌دارد. اما صورت + to + going + be در (b) 39) به نشان آن است که وی پیشتر از این موضوع باخبر بوده است. به اعتقاد ما، این تمایز معنایی ظریف در a) 39 و b) 39 را نمی‌توان در زبان فارسی با به کار بردن صورتهای فعل متناظر با انگلیسی نشان داد.

۳- یکی از مواردی که فهم و در نتیجه ترجمه متن اصلی را دشوار می‌سازد عبارتهایی است که با کلماتی مانند as well as, nor, or, but also, together with, like ... به هم متصل شده‌اند. مترجمی که بتواند نهاد جمله انگلیسی را مشخص کند در انتخاب فعل گزاره به لحاظ شمار به اشکال برخورد خواهد کرد. به این مثالها در زبان انگلیسی توجه کنید:

- 40 a) More than one person (has, have) been invited to the party.
 b) The nurses or the doctor (are, is) in the emergency room.
 c) Not only the teacher but also the students (was, were) tired at the end of the class session.
 d) His personality as well as his appearance (is, are) against him.

- e) An old woman together with her children (was, were) found begging on a street corner.
f) The audience (was, were) asked to remain seated.

در برخی موارد بافت کلام مترجم را در انتخاب صورت درست فعل گزاره کمک می کند:

- 41 a) The government are hoping to ease import restrictions soon.
b) The government is made up of senior members of the four main rightwing parties.
42 a) My family are wonderful. They do all they can for me.
b) The average family is a great deal smaller than it used to be.
43 a) The team are full of enthusiasm.
b) The team is at the bottom of the third division.

۵- در زبان انگلیسی گاهی افعال متعدی به گونه لازم و افعال لازم به گونه متعدی به کار می رود. امکان دارد عدم توجه مترجم به این نکته درک مطلب را دچار اختلال کند. به مثالهای زیر توجه کنید:

- 44 a) This is a good material, but it does not wash well.
b) His books sell like hot cakes.
c) Your report reads well.
d) This dress does up at the front.

در (44 a-d) سررت افعال به لحاظ دستوری معلوم ولی دارای معنای مجهول است.

۶- اغلب مشاهده شده که ناتوانی مترجم در پی بردن به معنای جمله به دلیل آن است که نتوانسته کارکردهای دستوری برخی از کلمات ربط مانند *so, or, while, insofar as, since, as, as long as* ... را در جمله دریابد. به موارد زیر توجه کنید:

الف- واژه ربط "or" گاهی رابطه اختیاری و گاهی «شرطی» را بیان می کند:

- 45 a) You can listen to what he says, or you can follow your own way.
b) She has got to hurry or she will miss her flight.

در (45 b) واژه "or" به معنای "otherwise", "or else" بوده که به جای یک جمله واره شرطی منفی (If she does not hurry up, she will...) به کار رفته است. در جمله واره های قیدی (به استثناء جمله واره های قیدی تقابلی) به دنبال جمله واره اصلی قرار می گیرند عموماً ویرگول (comma) به کار نمی رود و عدم استعمال آن در (45) خواننده را در تشخیص معنای "or" کمک می کند.

ب- واژه "while" مبین رابطه های زمانی و تقابلی است. در مفهوم تقابلی، جمله واره تبعی عموماً پیش از جمله واره اصلی قرار می گیرد:

- 46 a) While I have been happy in this city, I do not want to spend the rest of my life here.
b) While making for the door, I heard the telephone ringing.

گاهی رابطه تقابلی با واژه "notwithstanding" بیان می گردد و برخلاف دیگر واژه های ربط (مانند ... *despite the fact that, although, while*) که مبین مفهوم تقابلی هستند، می تواند در ابتدا و انتهای جمله واره تبعی قرار گیرد و همین رفتار دستوری تقریباً غیرمألوف این واژه، اغلب درک پیام جمله را دشوار می سازد. توجه کنید:

- 47 a) Notwithstanding the recalcitrant nature of the problem, we managed to solve it.
b) Skeptics, such as Feyerabend (1981), notwithstanding, it is not necessary to adopt the tenets of the Popperian scientific method to attain such goals (M. Long, 1993, p. 230)

ج- "as long as" رابطه زمانی و شرطی را بیان می‌کند و در مفهوم شرطی با عبارت "so long as" به یک معناست.

48 a) I will remember him as long as I am living.

b) You can use my dictionary as long as you keep it clean.

د- "as" بیانگر رابطه های گوناگون زمانی، سببی، شیوه کار و موقعیت می‌باشد و دریافت هر یک از این معانی اغلب دقت بیشتری از جانب مترجم را طلب می‌کند چرا که پی بردن به مفهوم کلی متن اغلب در گرو تشخیص درست معنای کارکردی این کلمه ربط می‌باشد:

49 a) I learned about the artist's death as I happened to be reading a newspaper that night.

b) He carried out the task as he had been instructed.

c) As she was attending the inpatients, she realized the gravity of the situation.

d) As a psychiatrist he believes that people suffer more from psychological ailments than physical ones.

ه- "so that" در جمله واره های قید منظوری با یکی از افعال وجهی can/will/may ... به معنای «برای این که» و چنانچه به دنبال آن فعل وجهی نیامده باشد دارای معنی «به طوری که» خواهد بود.

50 a) He left the house early so that he could catch the train.

b) A rich, intense smell of cooking food stung his nostrils so that his mouth began to water.

گاهی "so" به تنهایی به جای "so that" به کار رفته و رابطه منظوری را بیان می‌کند و چنانچه مترجم آگاهی کافی از دستور زبان انگلیسی نداشته باشد احتمالاً به سختی به معنای جمله پی خواهد برد:

51) We made airline reservations early so we would be sure of a seat.

بدیهی است معنای "so" در (۵۱) با معنای آن در (۵۲) فرق دارد:

52) He's been studying dilligently, so he's going to take a vacation during the summer quarter.

و- ساخت دستوری "have + object + a verb form" دارای سه معنای متفاوت است که مترجم ضمن توجه به نشانه های متن کلام می‌تواند معنای مناسب را انتخاب کند:

53 a) I had him pay damages for my car.

کسی را وادار به انجام کاری کردن

b) He had two of his teeth knocked out in the fight.

رویداد یا عملی را تجربه کردن

(این جمله در زبان محاوره به جای جمله مجهولی زیر به کار می‌رود:

(Two of his teeth were knocked out in the fight)

King Charles I had his head cut out.

و یا:

امتناع از پذیرش وضعیت یا موقعیتی خاص:

c) I won't have him tell/telling me what to do.

I won't have my house turned into a hotel.

اگر مترجم آگاهی کافی از ساخت دستوری فوق نداشته باشد به احتمال قوی در فهم این قبیل جمله ها، نظیر (۵۴) دچار زحمت خواهد شد:

54) There was an old lady who had her pearl necklace snatched from her throat as she came along the street. (*Translation from English*, p. 36)

ز- اغلب افعال انگلیسی دارای دو بخش هستند: فعل پایه (مانند "bring", "put", "take") و واژه دوم

آگاهی مترجم از دستور زبان مبدأ و ...

(مانند "off", "up", "down"). واژه دوم در برخی از ساختارهای دستوری نقش حرف اضافه و در بعضی از ساختارها به مشابه ادات قیدی عمل می کنند و همین نکته است که امکان دارد مترجم را در درک معنای جمله به گمراهی کشاند:

- 55 a) He turned down the street.*
 b) He turned down the proposal.
 56 a) They were running in the playground.
 b) They were running in the criminals.
 57 a) She called up the stairs.
 b) She called up the plumber.
 58 a) The wind blew down the valley.
 b) The wind blew down the tree.
 59 a) Jean ran up a hill.
 b) Jean ran up a bill.
 60 a) She ran down the hill.
 b) She ran down her friend.
 61 a) She stood drinking # in the moonlight.
 b) She stood drinking in # the moonlight.

ح - از موارد بسیار جالب در ترجمه، معانی گوناگون افعال وجهی (will, can, may, must ...) است که مبین نگرشهای گوناگون نویسنده / گوینده در قبال حالت یا رویدادی است که در متن توصیف شده است.

* واژه دوم در کلیه جملات (a) حرف اضافه و در جملات (b) از ادات قیدی است و برای پی بردن به این که واژه دوم کدامیک از این دو نقش دستوری را دارد می توان از موارد تبیینی زیر استفاده کرد:
 (۱) در (a) معنای فعل پایه حفظ می شود اما در (b) معنای فعل پایه در معیت واژه دوم که اصطلاحاً phrasal verb گفته می شود تغییر می یابد.
 (۲) در (a) می توان بعد از فعل پایه بلافاصله قید حالت به کار برد، در صورتی که این کار در (b) از لحاظ دستوری میسر نیست:

He turned sharply down the street.
 *He turned scornfully down the proposal.

(۳) در (a) واژه دوم و اسمی که به دنبال آن می آید عبارت حرف اضافه ای بوده و یک سازه جمله را تشکیل می دهد # He turned # down the street، در (b) اسمی که پس از واژه دوم می آید می تواند پیش از واژه دوم نیز قرار گیرد و اگر مفعول جمله، ضمیر باشد باید میان فعل پایه و واژه دوم واقع شود:

The firemen put out the fire.
 The firemen put the fire out.
 It was a big fire; however, the firemen put it out.

(۴) یکی دیگر از راههای پی بردن به نقش دستوری واژه دوم این است که ترکیب دستوری اسم + حرف اضافه را می توان مورد پرسش قرار داد ولیکن این کار را نمی توان با اسم + ادات قید انجام داد:

Down which street did he turn?
 *Down which proposal did he turn?

(۵) و بالاخره آنکه می توان از آزمایش relativization برای متمایز ساختن نقش واژه دوم استفاده کرد. به دنبال ساختار اسم + حرف اضافه جمله وارده صفتی می تواند قرار بگیرد اما ساختار اسم + ادات قید نمی تواند از این ویژگی برخوردار باشد:

The street down which he turned was crowded.
 *The proposal down which he turned was biased.

به همین دلیل است که این افعال به خاطر کارکردهای معنایی (semantic functions) و نه کارکردهای دستوری (grammatical functions) دارای اهمیت هستند. مترجمی که از درک ظرایف معنایی غافل است نمی تواند در مورد نگرش نویسنده اصلی در قبال موضوع مورد توصیف اطمینان حاصل کند. فی المثل می دانیم که مفهوم احتمال را فعل "can" قوی تر از "may" و "may" قوی تر از "might" ایفاد می کند:

62) Don't stop your car suddenly. You can cause an accident.

63) On his arrival at the airport, he may/might give us a call.

برای نشان دادن این که عدم توفیق مترجم در ادراک معانی گوناگون افعال وجهی به دریافت کل معنای جمله آسیب می رساند به مثالهای زیر توجه کنید که دارای ابهام معنایی بوده و این ابهام از چندگانگی معنای افعال وجهی حاصل می گردد.

64) Our visitors should have arrived at the airport by now.

65) The project should be completed by the end of this month.

66) Will / would you tell her so?

هریک از جمله های فوق را می توان دست کم به دو گونه زیر معنی کرد:

مهمانان، می باید تا حال به فرودگاه رسیده باشند. (هنوز آنان نرسیده اند)

تجیبی ندارد که مهمانان به فرودگاه رسیده اند. (آنان بر فرودگاه هستند)

پروژه باید تا آخر این ماه تکمیل گردد. (گرونده دستور صادر می کند)

طبیعی است که این پروژه آخر این ماه آماده شده است.

آیا این چنین برایش خواهید گفت؟ (پرسش)

لطفاً این را برایش بگویید. (خواهش)

پی بردن به معنای گوناگون افعال وجهی به واسطه نشانه های متن کلام در زبان مبدأ میسر است. دانستن معنای جمله ساده چون He must be a good writer جدا از بافت کلام آسان نیست اما زمانی که جمله He's received so many literary awards به دنبال آن می آید می توان پی برد که "must" دارای مفهوم استتاجی است و نه الزامی.

ط - در رابطه با موضوع این گفتار ذکر این نکته خالی از فایده نیست که مترجم می باید در ترجمه متون انگلیسی عنایت داشته باشد که افعال بسیاری در زبان انگلیسی وجود دارند که با حروف اضافه متفاوت معنای متفاوت به خود می گیرند و عدم دقت مترجم در چنین مواردی موجب تحریف پیام متن اصلی می گردد. به عنوان مثال به چند مورد زیر توجه کنید:

To compare with	مقایسه کردن
To compare to	تشبیه کردن
To correspond with	مکاتبه کردن
To correspond to	مطابقت کردن
To be anxious for	مشتاق بودن
To be anxious about	نگران بودن
To hear of sb	کسی را شناختن
To hear from sb	از کسی خبری (نامه و...) دریافت کردن
To deal with	اقدام کردن
To deal in	تجارت کردن
To be responsible to somebody	بر برابر کسی پاسخگو بودن
To be responsible for something	مسئول چیزی بودن

ی - افعالی که به دنبال آنها مصدر یا اسم مصدر می آید: به عنوان مثال آخر در مورد لزوم آشنایی با دستور زبان برای پی بردن به معنای جمله یا واحدهای بزرگتر کلام به ذکر یکی دیگر از نکات دستوری زبان انگلیسی می پردازیم و آن این است که در زبان انگلیسی افعالی وجود دارند که به دنبال آنها هم مصدر و هم اسم مصدر می آید. در چنین مواردی، برخی از این افعال تغییر معنا می دهند و جمله پیام متفاوتی را می رساند. اگر مترجم از این نکته دستوری آگاه نباشد به یقین به معنای واقعی کلام راه نمی برد و تصویری نادرست از آنچه در متن رفته است ارائه خواهد داد. به مثالهای زیر توجه کنید:

- 67 a) Why don't you try to hire a Video camera? (make an effort)
 b) Why don't you try hiring a Video camera? (discover by experience)
 68 a) I regret to say that you will be held responsible. (am going to say...)
 b) I regret saying that you will be held responsible. (have already said)
 69 a) The police detective means to solve the crime. (intends)
 b) This means forgetting about his other work. (results in)
 70 a) We propose to leave early tomorrow morning. (plan)
 b) We propose leaving early tomorrow morning. (suggest)
 71 a) We stopped to eat. (eating begins)
 b) We stopped eating. (eating is over)
 72 a) The chairman has resigned to make way for a younger man. (give up)
 b) The chairman has resigned to making way for a young man. (consent)
 73 a) She was afraid to make him angry. (scared)
 b) She was afraid of making him angry. (regretful)

ترجمه مثالهای بالا:

چرا سعی نمی کنید که دوربین ویدئو کرایه کنید؟
 چرا کرایه کردن دوربین ویدئو را امتحان نمی کنید؟
 متأسفم به اطلاعاتتان پرسانم که شما جوابگو خواهید بود.
 از گفتن اینکه شما جوابگو خواهید بود متأسف هستم.
 کارآگاه پلیس قصد دارد راز این جنایت را حل کند.
 این به معنای کنار گذاشتن دیگر کارهایش می باشد.
 برنامه این است که فردا صبح زود عزیمت کنیم.
 پیشنهاد می کنیم فردا صبح زود عزیمت کنیم.
 برای صرف غذا توقف کردیم.
 از صرف غذا دست کشیدیم.
 رئیس استعفا کرده تا راه را برای فردی جوان باز کند.
 رئیس راضی شد که راه را برای فردی جوان باز کند.
 می ترسید او را عصبانی کند.
 از عصبانی کردن او متأسف بود.

و نکته آخر این که برای مترجم آگاهی از برخی تفاوتهای واژگانی، ساختاری، معنایی، کاربرد شناختی، فرهنگی ... میان انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی آمریکایی در کار زبان برگردانی ضروری است. مترجم باید بداند که یک معنای واحد در هر دو زبان معیار ملی (آمریکایی و بریتانیایی) چه بسا با واژه ها و ساختارهای متفاوت بیان می شود. فی المثل، زمانی که آمریکایی می گوید: She's just gone home فرد انگلیسی می گوید: She just went home، و یا وقتی آمریکایی ترجیح می دهد در کلام خود وجه التزامی

را به کار برد، مردم انگلیس "should" را به کار می برند:

73) It is essential that every child have an equal opportunity of education. (= Am; "Should have" = Br)

و یا به نمونه دیگری از تفاوت ساختاری در زبان انگلیسی آمریکایی و انگلیسی بریتانیایی توجه کنید:

74 a) It looks like it's going to rain. (Am)

b) It looks as if it's going to rain. (Br)

گفتنی است که تفاوت‌های ساختاری میان این دو نمونه زبانی اندک است اما تفاوت‌های واژگانی فراوان یافت می شود و احتمال دارد مترجم را از ارائه تصویری درست از قضایا باز دارد. مثلاً در زبان آمریکایی، طبقه اول همان همکف است ولیکن در انگلیسی بریتانیایی طبقه اول روی طبقه همکف قرار دارد. در زبان آمریکایی a public school به مدرسه دولتی گفته می شود اما در انگلیسی بریتانیایی به مدرسه ای گفته می شود که دانش آموزان شهریه می پردازند. واژه "cider" در انگلیسی آمریکایی مشروب غیرالکلی است اما در انگلیسی بریتانیایی در شمار مشروبات الکلی به حساب می آید. و یا آنکه واژه "school" در انگلیسی آمریکایی مفهوم دانشکده و دانشگاه را دارد اما در انگلیسی بریتانیایی این واژه صرفاً به مدرسه اشاره دارد. صحبت از این تفاوت‌های واژگانی دامنه سخن را وسیعتر از آنچه در حوصله این گفتار است می کند. پس بدون آنکه خواسته باشیم در مقام توضیح برآیم به ذکر چند نمونه دیگر اکتفا می کنیم:

انگلیسی آمریکایی (Am E)

انگلیسی بریتانیایی (Br E)

trunk

boot

call collect

reverse charges

dish towel

tea towel

private hospital

nursing home

spool of thread

a reel of cotton

stove

cooker

rubber

eraser

thumbtack

drawing pin

در مورد اصطلاحات تفاوت میان این دو زبان وسیعتر و بسیار ظریف تر است. مثلاً در انگلیسی آمریکایی مفهوم اصطلاح to put one's feet into it به معنای ارتکاب اشتباه است و این مفهوم در انگلیسی بریتانیایی با اصطلاح to drop a brick بیان می گردد که مردم آمریکا عموماً معنای آن را در نمی یابند.

روشن است که مترجم ورزیده می باید نه تنها معنای عبارات اصطلاحی را در زبان مبدأ به درستی دریابد بلکه بتواند مفهوم هم ارز آن را به صورت اصطلاح در زبان مقصد بیان کند. در تأیید گفته بالا مثالی از رمان آرزوهای بزرگ *Great Expectations*، اثر چارلز دیکنز می آوریم و بحث خود را با دو نمونه برگردان فارسی از دو مترجم ایرانی به پایان می بریم. در آغاز رمان را می خوانیم:

...To five little lozenges, each about a foot and a half long, which were arranged in a neat row beside their grave, and which were sacred to the memory of five brothers of mine — who gave up trying to get a living exceedingly early in the universal struggle — I am indebted for a belief I religiously entertain that they had all been born on their backs with their hands in their trousers — pockets, and had never taken them out in this state of existence.

برگردان فارسی متن (۱):

آن پنج سنگ کوچک لوزی شکل که درازای هرکدام در حدود یک پا و نیم بود و در ردیفی مرتب در کنار قبر پدر

و ماندم چیده شده و یادبود پنج برادرم بودند (که خیلی زود از تلاش معاش در مبارزه و تقلاي عمومی حیات دست کشیده بودند) مرا به عقیده‌ای که در نهایت پاک‌طینتی در خاطر می‌پروردم معتقد ساخته بودند. و آن عقیده این بود که آنها، یعنی برادرانم، از پشت و درحالی که دستهایشان در جیب شلوارشان بوده به دنیا آمده‌اند و در طی زندگانی خود نیز هیچگاه دستهایشان را از جیب بیرون نیاورده‌اند. (ابراهیم یونسی)

برگردان فارسی متن (۲):

و چند قطعه سنگ لوزی شکل که در اطراف سنگهای مقابر خانوادگی آنها دیده می‌شد و مجموع آنها بیش از یک پا و نیم درازا نداشت این مساله را برای من روشن نمود که پنج برادر و خواهر بودند که ظاهراً زیاد در این جهان زندگی نکرده و ضمناً این قسمت را نیز می‌دانستم که آنها مرا با آداب مذهبی بزرگ کرده و به طوری که خودشان نیز به این و آن گفته بودند همه با دست خالی به این دنیا آمده و تا هنگام مرگ تغییری در نحوه زندگیشان به وجود نیامده بود. (عنایت‌الله شکیباور)

بحث درباره این دو نمونه برگردان فارسی به گفتاری جداگانه نیاز دارد و برای پرهیز از اطناب کلام به بیان این نکته بسنده می‌کنیم: هر دو مترجم در راه جستن به معنای عبارتهای اصطلاحی ناتوانی نشان داده‌اند و لاجرم مفهوم واقعی که مقصود نویسنده بوده خلل یافته است و می‌توان متصور شد که خواننده فارسی زبان در این میان سرگشته و گمراه خواهد ماند. به اعتقاد ما مقصود دیکتاتور این بوده که پنج برادر شخصیت اصلی داستان در هنگام تولد و پیش از آنکه مجبور شوند برای امرار معاش سختیها و آلام زندگی را متحمل شوند همانند همه انسانهای نیکبخت که در همه عمر برای ادامه حیات دست به سیاه و سفید نمی‌زنند دار فانی را وداع گفته بودند. این مفهوم را زیباتر از آنچه گفته شد می‌توان روی کاغذ آورد و چون تصور حد کمال در هنر ترجمه بسیار دشوار و یا به عبارتی محال است (چرا که هنر دارای کرانه‌های ناپیداست) نمی‌خواهیم در این مجال در عرصه سخن ترکنازی کنیم.

Bibliography

- Falk, Julia. 1976. *Linguistics and Language*. New York: John Wille & Sons.
- Haggard, J. V. 1941. *Handbook for Translators of Spanish Historical Documents*. Oklahoma City: Semeo Color Press.
- Hall, H. A. 1969. *An Essay on Language*. Philadelphia and New York: Chilton Books.
- House, J. 1977. *A Model for Translation Quality Assessment*. TBL Verlag Gunter Narr. Tubingen.
- Huddleston, R. 1985. *An Introduction to the Grammar of English*. Cambridge Textbooks in Linguistics.
- Johnson, Samuel, cited by A. H. Smith. 1958. *Aspects of Translation*. Secker & Warburg, London, p. III.
- Lakoff, G. 1969. 'Presupposition and Relative Grammaticality,' *Studies in Philosophical Linguistics. Series One*. Reprinted by the Computation Laboratory of Harvard University (1970), Report No. NSF-24, pp. 51-68.
- Lyons, J. 1986. *Language and Linguistics*. Cambridge University Press.
- Mathews, Jackson. 1959. "Third Thoughts on Translating Poetry," in Brower, ed. *On Translation*, pp. 67-77.
- McCawley, James D. 1976. "Where do Noun Phrases Come From?" in Danny D. Steinberg

- and Leon A. Jakobovits (eds): *Semantics*. Cambridge University Press, 217-23.
- Nabokov, Vladimir. 1981. *Lectures on Russian Literatures*. New York: Harcourt Brace.
- Nida, Eugene A. 1964. *Toward a Science of Translating*. Leiden, Netherlands.
- Robins, R. H. 1979. *General Linguistics: An Introductory Survey*. 3rd ed. London: Longman.
- Schmit, Claude, 1966. "The Self-Taught Translator: from rank amateur to respected professional. *META*, vol. II, No 4, pp. 123-26.
- Smith, N. and D. Wilson, 1980. *Modern Linguistics: The Results of Chomsky's Revolution*. Indiana University Press.
- Widdowson, H. G. 1986. *Explorations in Applied Linguistics*. Vol. 2, Oxford University Press.

Note: Examples of English sentences are quoted from personal notes in grammar courses in the B. A. English programs, University of Tabriz and the sources below:

- a) R. Quirk et al. 1985. *Grammar of the English Language*. Longman.
- b) Michael Swan, 1985. *Practical English Usage*. OUP.
- c) B. D. Graver. *Advanced English Practice*. CUP.
- d) Stageberg, Norman C. 1968. *Introductory English Grammar*. New York: Holt, Rinehart & Winston, Inc.
- e) B. Azabdaftari. "A Brief Survey of Semantics in Linguistic Studies." *Proceedings of the 2nd Applied Linguistics*, Allameh University, Tehran, 1992. (Forthcoming)